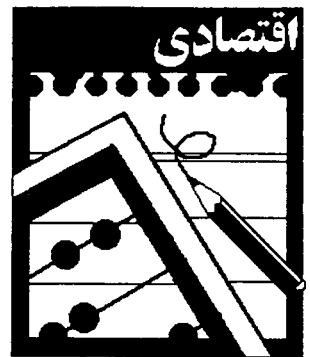


بانکهای ایران: اسلامی یا غیراسلامی؟



تعیین می‌کند. این سیاست‌ها به طور خلاصه بر چاپ اسکناس بدون پشتوانه طلا، پیش فروش مقادیر هنگفتی از اوراق قرضه ملی برای جمع کردن دلارهای چاپ شده، و تعیین نرخ بهره پول برای بانکهای خصوصی مبتنی است. از این به بعد با بانک‌های خصوصی است که به کی قرض بدهند، و چه مقدار و براساس چه نرخ بدهند. دولت دیگر دخالتی در کارها ندارد. سیاستهای مالی هم توسط اداره بودجه

به دلیل عدم پرداخت بدهی‌های خارجی از یک سو، و نارضایتی مردم از سوی دیگر، مشکلاتی را برای اقتصاد کشور به وجود آورده است... و «سال گذشته [سال ۱۳۷۰] هفت هزار و دویست میلیارد تومان به جامعه تزریق شده که شامل اعتبارات به شرکتهای دولتی و تسهیلات بانکی بوده است.» و طبعاً خوانندگان توجه خواهند داشت تزریق پول، در واقع همان چاپ اسکناس است.

این اسکناس‌ها و اسکناس‌هایی که قبلاً چاپ شده بود و بعداً چاپ شده - و می‌شود - چه تأثیری بر اقتصاد کشور، افزایش تولید و مهار تورم گذاشته است؟ اگر بنا به ضوابط بانکداری اسلامی، و هدف‌های صحیح اقتصادی این اسکناس‌ها در اختیار «تولید» گذاشته می‌شد ما اکنون شاهد شرایطی کامیاب مشابه اوضاع زیر بودیم:

- تولید افزایش می‌یافت، کمبود در بازار وجود نداشت، نرخ رشد تورم کاهش پیدا می‌کرد، با پدیده رو به تعطیل واحدهای تولیدی و خدماتی (چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی مواجه نبودیم)، تعدیل نیروی انسانی که همان افزایش تعداد بیکاران است نمود پیدا نمی‌کرد، درآمد دولت از محل مالیات تولید و سایر مالیات‌ها افزایش می‌یافت، که این امر به نوبه خود اجازه می‌داد دولت مجبور نباشد برای گردش امور خود قیمت ارزها را با مکانیسم‌های مختلف رسمی و غیررسمی، آشکار و پنهان، افزایش دهد، و ...

اما آن پول‌ها در راه تولید به مصرف نرسید. حجم عظیمی از آن از طریق سیستم بانکی به دست دلانان، واسطه‌ها و کسانی که در امور غیرمولد و فعالیتهای مخربی نظیر احتکار، سفته‌بازی و خرید و فروش دلار فعالیت دارند رسید و سرانجام - و غالباً - تبدیل به دلارهایی شد که هم اکنون یا در حساب‌های خارجی ذخیره شده، یا هنوز هم در دلار تبدیل به ۲۵۰۰ ریال می‌شود تا بعداً به مصرف خرید دلار ۲۵۲۰ ریالی برسد و بعد باز همان دلار به ۲۵۶۰ یا ۲۶۰۰ یا ... ریال به

نظام بانکداری کشور ما عنوان «اسلامی» را یدک می‌کشد. اما به نظر می‌رسد تنها مشخصه‌ای که این نظام ندارد همان خصیصه اسلامی بودن آن است. اگر جز این است چرا باید بخش اعظم اعتبارات بانکی کشور یا سود ۲۴٪ به اموری که به نحوی از انحاء با سوداگری و تجارت در ارتباط است اختصاص یابد؟ و اگر به واقع ضوابط بانکداری اسلامی در کشور ما اجرا می‌شود، چرا انبوه سپرده‌گذاران که در این نظام شوکای بانک محسوب می‌شوند، و هر شریک حق دارد از کم و کیف کار شریک دیگر آگاه باشد، از آنچه در درون سیستم بانکی کشور می‌گذرد بی‌خبرند؟

تعیین می‌شود که فقط به تنظیم بودجه سازمان‌های دولتی و کمک‌های دولت به پروژه‌های همگانی اقدام می‌کند. دولت دائماً کسر بودجه دارد و بانک مرکزی با چاپ دلار و سپس جمع‌آوری آن توسط قرضه مالی از رشد غیرمتعارف تورم جلوگیری، و به نظام استعمارگر سرمایه‌داری ادامه می‌دهد...^(۱)

درخواست بی‌جواب

در نیمه دوم دیماه سال گذشته آقای محمدخان وزیر امور اقتصادی و دارائی (که به تازگی این سمت را احراز کرده بود) در مراسم افتتاح دانشکده امور اقتصادی و دارائی مشهد ضمن انتقاد از عملکرد سیستم بانکی گفت: «زمینه انحلال و یا واگذاری چند بانک به بخش‌های تخصصی در برنامه دوم توسعه دوم فراهم شده است. ایشان همچنین اعلام کرد «سیستم بانکی کشور

دو سال پیش، در اوج بحران اقتصادی، تورم و رشد بیکاری در آمریکا نشربه وال‌استریت‌جورنال، معتبرترین منبع اطلاعاتی سرمایه‌داران و بورس بازان آمریکا مقاله‌ای منتشر کرد و طی آن، پس از تجزیه و تحلیل ریشه‌های نابسامانی مزمین و فزاینده اقتصاد آمریکا پیشنهاد کرد اگر سیستم بانکداری اسلامی در آمریکا به نحو صحیحی اجرا شود می‌توان امیدوار بود اقتصاد آمریکا سر و سامانی بگیرد.

برای آن‌که دانسته شود چرا وال‌استریت‌جورنال چنین پیشنهادی را ارائه کرده، ضروری است نگاهی کلی به ساختار اقتصاد کلان آمریکا بیفکنیم:

«بانک مرکزی [فدرال رزرو] در سیستم کاپیتالیسم بازاری آمریکا که براساس بورس بازی، مبادله سهام، بازار آزاد، و فروش اوراق قرضه ملی و اوراق بهادار استوار است، سیاست‌های پولی کشور را

فروش برسد. لازم نیست فرد اقتصاددان باشد که بفهمد وقتی بهره وام برای تولید ۱۸ درصد و برای امور بازرگانی ۲۴ درصد تعیین شود، چه نتیجه‌ای را عاید اقتصاد یک کشور خواهد کرد؟ در هر حال، مقارن اظهارات فوق‌الذکر وزیر امور اقتصادی و دارائی، مساجرای بانک تجارت و دستگیری مدیران ارشد این بانک پیش آمده بود و لذا بر آن شدیم تحلیلی بر عملکرد بانک‌ها ارائه دهیم. در اجرای این هدف نامه زیر را با امید به این که وزارت امور اقتصادی و دارائی تحت ریاست وزیر جدید که متولی و مسؤول نظام پولی و بانکی کشور هم هست اطلاعات لازم را در اختیار بگذارد، تهیه و تسلیم کردیم:

بسمه‌تعالی
شماره ۳۴۴۸ - تاریخ ۱۹/۱۱/۷۲
مدیر کل محترم روابط عمومی
وزارت امور اقتصاد و دارائی
با احترام و عرض تبریک به مناسبت انتصاب حضرت‌تعالی به استحضار می‌رساند، ما همتاها گزارش دست‌اندرکار تهیه یک گزارش تحلیلی از عملکرد بانکهای کشور طی سالهای اخیر است و از آنجا که می‌کوشیم در این زمینه حتی‌الامکان مسائل را از دید کارشناسی و با اتکاء به اطلاعات حقیقی بررسی کنیم از آن مدیریت محترم تقاضا می‌شود در زمینه سؤالات زیر اطلاعات لازم در اختیار آقای امیر حسین علی‌محمدی گزارشگر این نشریه گذاشته شود.

۱- در نیمه دوم دیماه سال جاری جناب آقای محمد خان وزیر امور اقتصادی و دارائی در مراسم گشایش دانشکده امور اقتصادی و دارائی مشهد ضمن انتقاد از سیستم بانکی کشور اعلام کردند زمینه انحلال و یا واگذاری چند بانک به بخش تخصصی و خصوصی آماده شده است. با عنایت به این فرمایشات:

الف - عمده‌ترین عملکردهای منفی بانک‌ها که مورد اشاره جناب وزیر قرار گرفته مربوط به چه زمینه‌هایی

بانکهای ایران در تورم کنونی چه نقشی دارند؟

است؟

ب - سیستم بانکی کشور در گذشته چه نقشی در تورم، تزریق پس اندازهای مردم به بخش بازرگانی و کارهای واسطه گری داشته است؟

ج - چه بانک‌هایی قرار است منحل و یا به بخش خصوصی واگذار شوند؟ به چه دلیل؟

د - چه خط‌مشی مشخصی برای فعالیت آینده سیستم بانکی کشور مورد نظر است؟

۲- با توجه به پرونده سؤاستفاده بانک تجارت:

الف - چه ضعف‌هایی در نظام مدیریت بانکی وجود دارد که اجازه می‌دهد چنین سوءاستفاده‌هایی امکان‌پذیر شود؟

ب - در رده‌های پائین سیستم بانکی طبعاً موارد سوءاستفاده از اختیارات بیشتر است. در این زمینه چه اطلاعاتی در دسترس قرار دارد؟ (با توجه به دستگیری اخیر بعضی از رؤسای بانک‌ها در یکی از استانها).

ج - میزان سوءاستفاده مدیران سابق بانک تجارت چه مبلغ، شامل چه مواردی و در چه زمینه‌هایی بوده است؟

د - آیا تصمیماتی برای جلوگیری از تکرار این مورد اتخاذ شده است؟ اگر شده، موارد را ذکر فرمائید.

قبلاً از عنایت مبذوله سپاسگزاری می‌گردد.

مراجعات مکرر ما برای دریافت پاسخ‌های این پرسشها سرانجام به این نتیجه منجر شد که مسؤولین روابط عمومی وزارت امور اقتصاد و دارائی گفتند: «آقای وزیر در جمع مطبوعات پاساخگو خواهند بود و در آینده‌ای نزدیک جلسه‌ای مطبوعاتی خواهند داشت. اما هنوز چنین جلسه‌ای تشکیل نشده است.

آبروریزی برای چه؟

آن چه در زیر آمده از شماره ۳۶ مجله داخلی بانک تجارت، و از خبر مربوط به مراسم معرفی آقای علیرضا خطیب به عنوان مدیر عامل جدید این بانک نقل شده است:

آقای دکتر عادل ریاست کل بانک مرکزی در بخشی از سخنان خود به مسئله

نظم در امور اشاره کرد و یاد آور شد:

«... انتظار من از آقای خطیب این است که نظم را در بانک مستقر نماید و روال مشخصی به آن بدهد، همین بی‌نظمی است که باعث می‌شود تا رئیس شعبه‌ای خود را خوار کرده و به خاطر دریافت یک سکه در مقابل یک مشتری پولدار ملایمت و عطفوت بیشتری داشته باشد و در حقیقت این مشتری، شعبه و تمام پرسنل آن را با پولهای مسحور می‌کند و فرد دیگری که استحقاق دریافت اعتبار را دارد، از بانک رانده می‌شود...»

داریم. چرا که اگر قرار باشد سیاستهای پولی به اظهار نظر افراد متکی باشد دچار مشکل خواهیم شد... شما باید تلاش کنید تا آبروی از دست رفته را دوباره به دست آورید. از شما توقع دارم که در مدت کوتاهی بتوانید با مدیریت مدبرانه آقای خطیب مشکلات را رفع نموده و تصویر جدیدی از فعالیت‌های بانک تجارت بسازید.

در سخنان رئیس کل بانک مرکزی چند نکته قابل تأمل وجود دارد. مثلاً: ۱- ایشان گرفتن هدیه را حرام و



موجب تعقیب قانونی دانسته است. در حالی که قانون هیچ کس را برای گرفتن هدیه «حرام‌خوار» و «بزه‌کار» نمی‌شناسد، مگر آن که کلمه‌ای دیگر - مثلاً رشوه - مورد نظر ایشان بوده که نخواست به خاطر رعایت نزاکت اصل کلمه را عنوان کند.

۲- ایشان به «رفتن آبروی بانک» اشاره کرده است؟ اما معلوم نیست چه کسانی چه اعمالی انجام داده‌اند که آبرو و اعتبار بانک معظمی چون بانک تجارت را که یکی از مجموعه

فعالیت‌های سرمایه‌گذاری هنگفتی در متروی تهران است، برده‌اند؟

۳- کارشناسان اقتصادی خیلی مایلند بدانند چه عواملی باعث شده رئیس کل بانک مرکزی بگوید «ما در مورد اجرای مصوبات از بانک تجارت گسله داریم. چرا که اگر قرار باشد سیاستهای پولی به اظهار نظر افراد متکی باشد دچار مشکل خواهیم شد.

می‌دانیم در پایان جنگ تحمیلی هشت ساله و آغاز دوران بازسازی شعاری در سرلوحه آن اهدافی که قرار بود سیاست‌های اقتصادی آینده را توجیه کند قرار داشت. شعار این بود که شرایط جنگ موجب شده که حجم نقدینگی در جامعه زیاد شود. این نقدینگی نه تنها عامل تورم است، بلکه مانعی در راه رشد توسعه نیز خواهد بود، پس باید تحت هر شرایطی نقدینگی عمومی جمع‌آوری شود و به مصرف تولید و توسعه برسد.

تحت همین شعار بود که مجموعه سیستم بانکی ناگهان اجازه یافت در تبلیغ برای جذب نقدینگی مردم تا حد تبلیغ برای لاتاری‌های غیرمشروع پیش برود. یک بانک اعلام می‌کرد به سپرده‌گذاران کیلومترها اسکسناس هزار - پانصد - دوست و صد تومانی جایزه می‌دهد. دیگری وعده چند اتومبیل آخرین سیستم پر از پول می‌داد. آن دیگری قول می‌داد کلید طلائی فلان تعداد دستگاه خانه و آپارتمان را به برندگان حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه تقدیم خواهد کرد و بعد... بعد همه بانکها شروع به دادن وعده پرداخت سود بیشتر به سپرده‌های بلند - میان و کوتاه مدت کردند و کار به جایی رسید که سپرده‌گذاری به صورت یک نوع خرید بلیت لاتاری (منتهی با بهای گزاف و گاه به قیمت تمامی پس‌انداز یک خانواده معمولی) درآمد. به گفته رئیس شعبه یکی از بانک‌ها توجه کنیم:

«در روزهای نزدیک به قرعه‌کشی تعداد گشایش حساب‌های قرض‌الحسنه به میزان وحشتناکی افزایش می‌یابد و هر روز فقط در شعبه من حدود ۲۰۰ حساب جدید افتتاح می‌شود. این برداشت سوداگران موجب شده پس از اعلام نتایج قرعه‌کشی بیش از نیمی از کسانی که به

دکتر عادل: ابروی رفته بانک را بازگردانید

تازگی حساب باز کرده‌اند و برنده نشده‌اند، اقدام به بیرون کشیدن موجودی خود و بستن حسابشان می‌کنند... این حساب باز کردن‌ها و بستن‌ها واقعاً کم‌ما را زیر بار کار می‌شکند... آنهایی که حساب‌هایشان را در این بانک می‌بندند بلافاصله در بانک دیگری که فرعه‌کشی آن فریب‌الوقوع است اقدام به گشایش حساب می‌کنند. و این دور تسلسل همچنان ادامه می‌یابد.

این از عوارض سیاست جمع‌آوری نقدینگی بر حساب‌های قرض‌الحسنه کوتاه مدت... در مورد حساب‌های قرض‌الحسنه درازمدت هم رفته رفته صاحبان این گروه از پس‌اندازها متوجه می‌شوند با ادامه نرخ رشد تورم ارزش و یا قدرت خرید اندوخته‌هایشان مداوماً کاهش می‌یابد و هیچ تناسبی بین سود دریافتی از بانک با میزان تورم وجود ندارد. و شاید براساس همین واقعیت است که در آغاز سال جاری شورای پول و اعتبار و مقامات اقتصادی کشور اعلام کردند که اسامال به صاحبان حساب‌های قرض‌الحسنه درازمدت، سود بیشتری پرداخت خواهد شد.

همان رئیس شعبه بانک می‌گوید: سود حسابهای سرمایه‌گذاری چیزی جز جبران کاهش ارزش پول نیست، زیرا با تورم موجود و کاهش ارزش پول، سرمایه‌گذار در واقع سود دریافت نمی‌کند، بلکه مبالغ دریافتی چیزی جز جبران کاهش سرمایه اولیه‌اش نیست. همین فرد در مورد وام‌هایی که از محل همین سپرده‌ها به افراد پرداخت می‌شود، گفته است:

«تا آن جایی که من شاهد و اطلاع دارم احتمالاً ۹۵٪ از کل وام‌های پرداختی، به افراد دارای نفوذ و پارتی تعلق می‌گیرد.»

ما این رقم را اغراق‌آمیز می‌دانیم. لاف‌در سطح کشور اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد... امیدواریم اغراق‌آمیز باشد. اما دیده‌ها و شنیده‌هایی هست که نشان می‌دهد پرداخت اعتبارات در موارد متعددی نه تنها منطبق با مقررات بانکداری اسلامی نیست، حتی با ضوابط بانکداری معمولی هم مغایر است. به عنوان نمونه می‌توانیم از شخصی مثال بیاوریم که در بسیاری شعب حساب

جاری افتتاح کرده، بعد به صرف داشتن کارخانه‌ای غیرفعال وام گرفته، از حساب جاری همان بانک دهها فقره چک بلامحل کشیده و وقتی دسته چک تمام شده، در شعبه دیگری از همان بانک، چند خیابان آن طرفتر، حساب جدیدی باز کرده، به سراغ بانک دیگری رفته،

سابقه بانکداری اسلامی

فکر ایجاد مؤسسات مالی و بانکداری اسلامی همزمان با شروع انقلاب (سال ۵۷) به طور جدی مطرح شد و قانون مربوط به آن اندکی پس از پیروزی انقلاب به تصویب رسید. البته باید توجه داشت که این امر در سایر کشورها نیز سابقه داشته و تجربه هم شده است. مثل تجربه مصر (۱۹۶۳)، پاکستان (۱۹۶۵)، عربستان (۱۹۷۴)، سودان (۱۹۷۷) و... بانکداری اسلامی در این کشورها و اجند خصوصیات زیر بود: مجاز نبودن سرمایه‌گذاری غیرمسلمانان، فعالیت در دیگر کشورهای اسلامی، فعالیت چند بانک اسلامی در یک کشور و نظارت یک بانک مرکزی بر فعالیت آنها، وجود هیأت‌های نظارت شرعی و نظارت بر فعالیت بانکها، و از همه مهمتر و اساسی تر حذف ربا، بهره و یا هر چیزی که به این معنا باشد.

به طور کلی هدف از به‌کارگیری این سیستم تازه و نو در بانکداری، ایجاد فضای سالم و مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی است. امکانات بانکهای اسلامی از منابع مختلف نظیر مشارکت دولت و سرمایه‌داران معتقد و بالاخره پس‌اندازهای مردم عادی فراهم می‌شود. برای استفاده از امکانات این بانکها عقود یا قراردادهای متعددی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. قرض‌الحسنه ۲. مضاربه ۳. مشارکت مدنی ۴. مشارکت حقوقی ۵. فروش اقساطی ۶. معاملات سلف ۷. اجاره به شرط تملیک ۸. مساقات ۹. جعاله ۱۰. خرید دین ۱۱. سرمایه‌گذاری مستقیم.

علاقتمندان به آگاهی از این زمینه‌ها می‌توانند به منابع زیرمراجعه کنند:

۱- اطلاعات کلی و عمومی درباره عملیات بانکی بدون ربا از انتشارات اداره آموزش و مطالعات نیروی انسانی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۲- صد سؤال و صد جواب درباره بانکداری اسلامی، نویسنده احمد عبدالعزیز النجارو دیگران. ترجمه عباس خان محمد، انتشارات مرکز آموزش بانکداری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸.

۳- بانک بدون ربا، نویسنده نجات‌ا... صدیقی، ترجمه اکبر مهدی‌پور عطاآبادی، سروش، ۱۳۶۱.

۴- بانک اسلامی، از شهید محمد باقر صدر، ترجمه علی حجتی کرمانی، انتشارات الفتح.

۵- تحلیلی از بانکداری اسلامی از صندوق بین‌المللی پول، انتشارات معاونت امور اقتصادی و بین‌المللی وزارت امور اقتصاد و دارایی کشور نشریه شماره ۴۵۱، مرداد ماه ۱۳۶۶.

حساب افتتاح کرده، اعتبار گرفته و... روز از نو روزی از نو.

چنین اعمالی در حالی اتفاق می‌افتد که به موجب قوانین هرکس چک بلامحل بکشد باید نامش از طریق بانک مرکزی به تمام بانک‌ها اعلام شود تا هیچ شعبه‌ای برای او حساب جاری باز نکند.

به پاره‌ای از موارد اشاره کرده‌اند، از ورود به جزئیات خودداری می‌کنیم و می‌پردازیم به بررسی مشخصات بانکداری اسلامی واقعی.

یک دکترای اقتصاد و کارشناس امور بانکی که از سر فروتنی خواسته است نامش ذکر نشود در مورد بانکداری

اسلامی گفته است:

لازم است مطلب حساسی را در خصوص اختلاف بانکداری اسلامی با بانکداری معمولی (سرمایه‌داری) مطرح کنم. در بانکداری سرمایه‌داری که اساس آن بر دریافت بهره و ربا قرار دارد، بانکها خصوصی هستند و پول «خلق» می‌کنند. و به عبارت دیگر مابه‌التفاوت ربحی که به عنوان مختلف به این بانک سپرده می‌شود (حساب جاری، پس‌انداز، خرید اوراق قرضه و...) با ربحی که بانک از وام‌گیرندگان دریافت می‌کند، سبب خلق یک پول اضافی می‌شود. حجم این «خلق پول» معمولاً گاهی به میزانی است که بیش از توان کشور گسترش پیدا می‌کند و در نتیجه تورم در کشورهای سرمایه‌داری بلافاصله بعد از رشد اقتصادی و افزایش تولیدات و درآمد مردم ظاهر می‌شود. گذشته از این که بانکها پول خلق می‌کنند، نکته ظریف دیگری هم در کار آنها وجود دارد و آن این که زمان تزریق پول در جامعه بسیار اهمیت دارد. در زمینه خلق پول آنقدر مشکلات و عدم کنترل در سیستم بانکداری غربی وجود دارد که برخی از اقتصاددانان بزرگ جامعه سرمایه‌داری مثل پرفسور فیتمن، اعتقاد دارند که باید نرخ ذخیره قانونی بانکها صددرصد بشود یعنی جلوی خلق پول توسط بانکها با این روش گرفته شود، همین شخص یکی از کسانی است که تأکید دارد زمان تزریق پول در جامعه بسیار مهم است... از طرفی، به دلیل اینکه سرمایه‌گذار از طریق استقرار خود را -بانک نیازهای سرمایه‌گذاری خود را تأمین می‌کند، بهره متعلقه به وام به عنوان یکی از هزینه‌های تولید بر قیمت تمام شده کالا اضافه می‌شود.

بنابراین ما وجود دو عامل ویژه را در اقتصاد سرمایه‌داری ملاحظه می‌کنیم: یکی هزینه قرض پول یا سرمایه که همان نرخ بهره است و به هزینه تمام شده «تولیده» اضافه می‌شود. ویژگی دوم این است که پول قبل از افزایش کالا به جامعه تزریق می‌شود. این دو عامل می‌تواند با عامل دیگری ترکیب شود و پدیده‌ای به نام بیکاری و یا تورم را بوجود آورد. به این معنا که در جوامع سرمایه‌داری که براساس نمودارهای آماری افزایش نرخ

بانکهای سرمایه‌ای، تورم ایجاد می‌کنند

نقش مدیریت بانکی

و اما مدیریت در بانکداری اسلامی... با توجه به اینکه این شیوه بانکداری تأمین‌کننده سرمایه است و به نیابت از طرف سپرده‌گذار این کار را انجام می‌دهد، بنابراین نظارت بانک باید مستقیم و مستمر باشد. از خصوصیات بارز بانکداری اسلامی که یکی از وجوه افتراق این نظام با نظام بانکداری سرمایه‌داری می‌باشد همین نظارت و کنترل است، اما متأسفانه اکنون چنین نظارتی انجام نمی‌شود. انواع این نظارتها در آئین‌نامه‌ها آمده است. دستگاه نظارت‌کننده بر نظام بانکی اگر از کمبود پرسنل و نداشتن امکانات صحبت کند، شاید خیلی قابل قبول نباشد به دلیل اینکه بانکها می‌توانند از طریق آمارگیری نمونه‌ای و تهیه گزارشهای موردی از شعب خود اقدام کنند. دریافت گزارش‌های موردی و به فواصل کوتاه می‌تواند به میزان زیادی نظارت بر بانکها را امکان‌پذیر کند بنابراین وقتی که بانکداری اسلامی اساس خود را بر مشارکت گذارده است، این انتظار هم وجود دارد که نظارت و کنترل بر بانکها خیلی دقیق باشد. راه دیگر این است که اسنادی که به موجب قانون عملیات بانکی بدون ربا و آئین‌نامه‌های مربوط به آن تنظیم شده مورد کنترل قرار گیرد. حتی در فروش اقساطی در صورتی که وام گیرنده تخلف کرده باشد، می‌توان اسناد را به دادگاه ارائه داد. در موارد زیادی مشاهده شده است که فردی به بانک مراجعه می‌کند و یک فاکتور خرید به بانک ارائه می‌دهد که فاقد مشخصات واقعی است، مشخصاتی نظیر، فاکتور فروش با شماره مسلسل، نام فروشگاه (یا کارخانه)، نام فروشنده و امضاء صندوقدار و... در حالی که فاکتورهای زیادی وجود دارد که هیچ یک از این مشخصات را ندارد. اگر ما از قانون عملیات بانکی بدون ربا، که از ابتدای سال ۱۳۶۳ قرار شد اجرا شود، استفاده می‌کردیم من مطمئن هستم که مسائل مربوط به تورم در کشور ما پیش نمی‌آمد.

۱- دکتر ابوالقاسم قائم‌مقامی استاد دانشگاه ارومیه، کالیفرنیا.

اقتصاد اسلامی یعنی این که پول یک سرمایه بالقوه است و وقتی به حالت سرمایه درمی‌آید که از نظر حقوقی با یکی از عوامل تولید ترکیب شود. هیچ مورد در بانکداری اسلامی وجود ندارد که شما بتوانید پولی را که ندانید در کجا و برای چه منظوری و برای چه زمانی، قرار است به صورت سرمایه درآید به جامعه تزریق کنید.

اما در حال حاضر در صورتی که به بانکها مراجعه شود، بانکها برای دادن تسهیلات متأسفانه همان اول نرخ سود خود را به مبلغ مورد پرداخت می‌افزایند و بعد وام پرداخت می‌کنند. بنابراین بدیهی است که متقاضی یا مشتری همان

در بانکداری اسلامی به دلیل مشارکتی که بین بانک، سرمایه‌گذار و تقاضاکننده تسهیلات بانکی شکل می‌گیرد، مقامات بانکی حق ندارند پول یا وام در اختیار تقاضاکننده بگذارند بلکه در کار او مشارکت می‌کنند. نکته بسیار مهم در بانکداری اسلامی این است که بانک دقیقاً می‌داند که سرمایه‌ای را که برای کسی تأمین کرده کجا خواهد رفت؟ برای تولید چه کالایی صرف می‌شود؟ و آن کالا به چه میزان تولید و حتی کجا توزیع خواهد شد؟. باز هم می‌گویم که در این نوع بانکداری، بانک به عنوان شریک عمل می‌کند، بنابراین پول تزریق نمی‌شود و بانکها

تورم همراه است با کاهش بیکاری، و به عکس افزایش بیکاری همراه است با کاهش تورم. به عبارت دیگر، در جوامع سرمایه‌ای باید بین بیکاری زیاد و تثبیت قیمت‌ها یا نرخ بالای تورم و نرخ بیکاری کم یکی را انتخاب کرد.

اما زمانی که از بانکداری اسلامی صحبت می‌کنیم، منظور ما آن نوع بانکداری است که ربا یا بهره به کلی از سیستم بانکی حذف شده باشد، یعنی در تمام معاملاتی که از طریق بانک انجام می‌شود (و یا حتی بین مردم) ربا حذف می‌شود. در این صورت، سؤالی پیش می‌آید و آن این است که با حذف بهره، نحوه عملیات بانک چه شکلی پیدا می‌کند؟ پاسخ این است که وقتی بهره حذف می‌شود بانکها به جای دادن قرض ربوی به سرمایه‌گذار و همچنین پرداخت بهره به سپرده‌گذار، در سود واحدهای تولیدی که از بانک وام دریافت می‌کنند شریک می‌شوند، و سهم سود از قبل، و زمان تنظیم قرارداد تعیین می‌شود، و بعد بر آن اساس میزان سود یا زبانی که حاصل می‌شود بین استفاده‌کننده از سرمایه و بانک تقسیم می‌شود. آن‌چه به سپرده‌گذار پرداخت می‌شود در حقیقت مجموعه عملکرد سرمایه‌گذاری هائی است که از طریق بانک تأمین سرمایه شده و سپرده‌گذار در حقیقت در آن شریک است. به عبارت دیگر بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذار عمل می‌کند. نتیجه‌ای که از این شیوه به دست می‌آید، این است که چیزی به نام نرخ بهره نداریم که بر هزینه تمام شده کالا اضافه شود. به این دلیل که سرمایه‌گذار از قبل نمی‌داند که باید چه مقدار به بانک بپردازد در حالی که ما در بانکداری ربوی گفتیم که سرمایه‌گذار دقیقاً می‌داند که چه میزان باید به بانک بدهد، چون از قبل نرخ تعیین شده است. در نتیجه قیمت تمام شده یک کالا در سیستم بانکداری اسلامی کمتر خواهد بود از قیمت تمام شده همان کالا با همان تکنولوژی در نظام بانکی معمولی و غیراسلامی. مطلب بعد این است که بانکها قدرت خلق پول در سیستم بانکداری اسلامی ندارند، چرا؟ به دلیل اینکه در این جا دیگر نرخ ذخیره نقشی نمی‌تواند داشته باشد.

یک سوال و یک جواب

برای آگاهی از نقش کنونی بانک در جامعه و الزامات بانکداری اسلامی سؤالی را به شرح زیر با آقای جمشیدی یکی از کارشناسان بانک تجارت در میان گذاشتیم. سدر تحلیلی که صندوق بین‌المللی پول از بانکداری اسلامی در سال ۱۳۶۶ ارائه داده به مشکلاتی از قبیل تمرکز در دارائی‌های کسب نامدست، مشکلات در پذیرش ابزارها بر پایه اصل شرکت در سود و ضرر به جای نرخ ثابت بازده، امکان حذف واسطه‌گرایی برای مدیریت در مقیاس کوچک، مشکلات ابداع ابزار مناسب بدون بهره برای تأمین مالی کسب بودجه دولت و... اشاره شده بود، بانکها برای رفع این مشکلات چه راه‌حلهایی را اجرا کردند؟

آقای جمشیدی: از نظر اجرا مشکلاتی بوده است، این سیستم، سیستمی بوده است که قبلاً سابقه نداشته است. البته بیشتر بانکهای اسلامی قبل از این، نیز وجود داشتند اما بیشتر کارهای آنها برای ارضای طلب بوده است. اما سیستم ما بسیار کامل تر می‌باشد ولی به هر حال به علت جوان بودن، این سیستم با مشکلاتی روبرو می‌باشد. در این مدت کارهای زیادی شده و تحقیقات مورد نیاز انجام گرفته است و خود سیستم بانکداری جهت خود را پیدا کرده و دانسته روی کدام تسهیلات کار کند. خوببختانه برخی تسهیلات هستند که بانکداری غرب نیز مایل به استفاده از آنها می‌باشد. برخی از تسهیلات ما در شرایط تورمی و رکودی بسیار مؤثر می‌باشد و اگر غرب می‌توانست از این تسهیلات استفاده کند، هیچگاه دچار مشکلات اقتصادی مانند دهه ۳۰ نمی‌شود.

مبلغ سود را به قیمت تمام شده کالایش (چه تولیدی و چه غیرتولیدی و چه خدماتی) اضافه می‌کند، در حالی که به موجب آنچه که در قانون آمده بانک باید در سود شریک باشد، یعنی فقط سهم سود می‌بایستی اعلام شود، به دلیل اینکه نمی‌دانیم سود چقدر است پس سهم بانک هم معلوم نیست. اینکه بانک ده میلیون به مشتری می‌دهد و ۲۰٪ هم به آن اضافه می‌کند و طلب خود را ده میلیون بعلاوه ۲۰٪ می‌داند، در حقیقت عدول از آنچه است که در قانون عملیات بانکی بدون ربا آمده است.

نمی‌توانند خلق پول کنند. بانکداری اسلامی در حقیقت ضد تورمی عمل می‌کند. چرا؟ به این علت که در شرایطی که تورم به وجود آید اگر به اصول بانکداری اسلامی عمل شود، هیچ پول جدیدی به جامعه تزریق نمی‌شود. نرخ بهره هم نیست که به قیمت تمام شده کالا اضافه شود.

تغییرات حجم پول در اقتصاد سرمایه‌داری بزرگتر است از تغییرات حجم سرمایه، ولی در اقتصاد اسلامی تغییرات حجم پول برابر است با تغییرات حجم سرمایه. بنابراین، سرمایه در